

## The effectiveness of the parenting training program with a futuristic rational approach on the creativity of female children

Somyeh Moddareesi<sup>1</sup> | GholamAli Afrooz<sup>2</sup> | Masoud GholamAli Lavasani<sup>3</sup> | Zahra Naghsh<sup>4</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kish International Campus, Tehran University, Kish, Iran. **E-mail:** [somayeh.modareesi@yahoo.com](mailto:somayeh.modareesi@yahoo.com)
2. **Corresponding Author**, Distinguished Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. **E-mail:** [afrooz@ut.ac.ir](mailto:afrooz@ut.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran. **E-mail:** [lavasani@ut.ac.ir](mailto:lavasani@ut.ac.ir)
4. Associate Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. **E-mail:** [z.naghsh@ut.ac.ir](mailto:z.naghsh@ut.ac.ir)

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Received Date:**  
16 April 2023

**Received in Revised From:**  
10 July 2023

**Accepted Date:**  
23 August 2023

**Published Online:**  
05 September 2023

**Keywords:**

Parenting, Futuristic Rational Approach, Creativity, Children, Parents

This research was carried out with the aim of the effectiveness of the parenting training program with a futuristic rational approach on the creativity of female children. The working method of this research is semi-experimental with a pre-test-post-test design with a control group. The research population included parents of primary school students in Tehran in the academic year of 1400-1401, according to the entry criteria, 30 people were selected as available and randomly replaced in two experimental groups and control group. The parenting training program with a futuristic rational approach that was compiled and validated by the researchers was taught to the experimental group during 10 sessions, and the control group did not receive any intervention. Torrance's creativity test (1989) was used in this research. The collected data were analyzed using SPSS.26 software and using multivariate covariance analysis. The results of multivariate covariance analysis show that parenting training program with a futuristic rational approach had a positive effect on the elaboration, fluidity, initiative and flexibility subscales ( $P < 0.001$ ). Based on the obtained findings, it can be concluded that futuristic rational parenting training is effective on the creativity of primary school children. And this training can be used as an approach appropriate to Iranian culture

**Cite this article:** Moddareesi, S., Afrooz, G.A., GholamAliLavasani, M., & Naghsh, Z. (2023). The effectiveness of the parenting training program with a futuristic rational approach on the creativity of female children. *Journal of Educational Psychology Studies*, 20(50), 130-150.

**DOI:** 10.22111/JEPS.2023.45372.5368



© The Author(s).

**Publisher:** University of Sistan and Baluchestan

## اثربخشی برنامه‌ی آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر بر خلاقیت فرزندان دختر

سمیه مدرسی<sup>۱</sup> | غلامعلی افروز<sup>۲</sup> | مسعود غلامعلی لواسانی<sup>۳</sup> | زهرا نقش<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران.  
رایانامه: [somayeh.modaresi@yahoo.com](mailto:somayeh.modaresi@yahoo.com)
۲. نویسنده مسئول، استاد ممتاز، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
رایانامه: [afrooz@ut.ac.ir](mailto:afrooz@ut.ac.ir)
۳. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
رایانامه: [lavasani@ut.ac.ir](mailto:lavasani@ut.ac.ir)
۴. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
رایانامه: [z.naghsh@ut.ac.ir](mailto:z.naghsh@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۰۱/۲۷</p> <p><b>تاریخ ویرایش:</b> ۱۴۰۲/۰۴/۱۹</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۲/۰۶/۰۱</p> <p><b>تاریخ انتشار:</b> ۱۴۰۲/۰۶/۱۴</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b> فرزندپروری، رویکرد عقلانی آینده‌نگر، خلاقیت، فرزندان، والدین</p>	<p>این پژوهش با هدف اثربخشی برنامه‌ی آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر بر خلاقیت فرزندان دختر صورت گرفته است. روش کار این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه پژوهش شامل والدین دانش آموزان دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که با توجه به ملاک‌های ورود، ۳۰ نفر به صورت در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و گروه گواه جایگزین شدند. آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر که توسط پژوهشگران تدوین و اعتباریابی شده بود در طی ۱۰ جلسه به گروه آزمایشی آموزش داده شد و گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکردند. در این پژوهش از آزمون خلاقیت تورنس (۱۹۸۹) استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS.26 و با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری تحلیل شدند. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان که آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر بر زیر مقیاس‌های بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف‌پذیری تأثیر مثبت داشت (<math>P &lt; 0.001</math>). براساس یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر بر خلاقیت کودکان دبستانی اثربخش است؛ و از این آموزش می‌توان به عنوان یک رویکرد متناسب با فرهنگ ایرانی استفاده کرد.</p>

**استناد به این مقاله:** مدرسی، سمیه؛ افروز، غلامعلی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و نقش، زهرا. (۱۴۰۲). اثربخشی برنامه‌ی آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر بر خلاقیت فرزندان دختر. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۲۰(۵۰)، ۱۳۰-۱۵۰.

DOI: 10.22111/JEPS.2023.45372.5368

## مقدمه

در عصر حاضر که تغییرات به صورت سریع روی می‌دهند، خلاقیت<sup>۱</sup> در حوزه‌های مختلف اهمیت دارد. در سطح جامعه، خلاقیت نیروی محرکی برای خلق آثار هنری، نوآوری فنی و اکتشافات علمی و در سطح شخصی، غالباً برای مقابله با مشکلات و چالش‌های روزمره و در سازمان‌ها به عنوان یک منبع مهم برای نوآوری و رقابت در بازار جهانی در نظر گرفته می‌شود (بتی و کنیت<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). همچنین در مدارس، دانش‌آموزان برای یادگیری و ادغام دانش جدید به یک ذهن خلاق و انعطاف‌پذیر نیاز دارند. در واقع خلاقیت را می‌توان توانایی تشخیص و به‌وجود آوردن روابط جدید و اندیشه‌های غیرمعمول و دورشدن از افکار کهنه و الگوهای سنتی تفکر تعریف کرد. خلاقیت در برگیرنده تولید راه‌حل‌های نو و اصیل، حل مسائل پیچیده و مبهم دانست (دی لورنزو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). اساس خلاقیت و حل مسئله به صورت خلاقانه اغلب به عنوان توانایی متفاوت فکر کردن در ایجاد پاسخ‌های جدید یا تفکر واگرا<sup>۴</sup> مطرح می‌گردد. به طور کلی، ضروری است که ما توانایی خلاقیت دانش‌آموزان را پرورش دهیم تا برای مطالعه، کار و زندگی شخصی آماده شوند. از سوی دیگر مدارس بیشتر نوع تفکر تحلیلی را از دانش‌آموزان انتظار دارند و به نظر می‌رسد فرایندهای آموزشی در مدارس، توانایی خلاق و توانایی عملی دانش‌آموزان را پرورش نمی‌دهند (روس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۳)؛ لذا والدینی که نقش فعالی در کمک به رشد خلاقیت کودکان و شکوفایی پتانسیل‌های مرتبط با آنان داشته باشند؛ می‌توانند زمینه را برای تربیت نیروهای متعهد، کوشا کارآمد و خلاق برای جامعه‌ای پویا و متعادل فراهم سازند (داوید و دی گوئیسب<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶).

خلاقیت از جمله مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای تحولات قرن بیست و یکم است (امپونسا و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). خلاقیت به عنوان یک راه‌حل برای چالش‌های امروز و آینده در نظر گرفته می‌شود (لگت<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷). تغییر مداوم در جهان وضعیتی است که انسان باید با آن زندگی کند؛ بنابراین خلاقیت راهبردی است که برای سازگاری با شرایط جدید ضروری است (ارشادی و وینر<sup>۹</sup>، ۲۰۲۰). این ایده که خلاقیت شیوه‌ای از تفکر است که به فرآورده‌های جدید و با ارزش منجر می‌شود، غالباً پذیرفته شده است (ورکام<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). به طور کلی، خلاقیت به عنوان توانایی تولید ایده‌های مناسب و جدید تعریف می‌شود (استرنبرگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰). خلاقیت، عبارت است از عملیات هوشمند مربوط به تفکر واگرا و توانایی شرح و بیان مجدد معانی و مندرجات اشیاء که از طریق حساسیت نسبت به مسائل و مشکلات به

1. creativity
2. Beaty, & Kenett
3. De Lorenzo
4. divergent thinking
5. Ross
6. DiGiuseppe
7. Amponsah and et all
8. Leggett
۹. Ershadi, & Winner
10. Woerkum
11. Sternberg

کار می‌افتند. ابتکار، انعطاف‌پذیری، سیالی و بسط به‌عنوان توانایی‌های مشمول تفکر واگرا است (ویجتیزوک و توریک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵؛ سیکا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). خلاقیت در برگیرنده تولید راه‌حل‌های نو و اصیل، حل مسائل پیچیده و مبهم است. اساس خلاقیت و حل مسئله به‌صورت خلاقانه اغلب به‌عنوان توانایی متفاوت فکر کردن در ایجاد پاسخ‌های جدید یا تفکر واگرا مطرح می‌گردد (وینست<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). نتایج مطالعات نشان می‌دهد که الگوی والدگری مثبت با شادی و خلاقیت کودکان (رها و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱) و با سازگاری رفتاری هیجانی (ریانی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۲) و خلاقیت فرزندان مرتبط است (چن و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱).

تا کنون پژوهش‌های مختلفی در زمینه تأثیر برنامه‌های آموزشی فرزندپروری بر روی خلاقیت کودکان انجام گرفته است از جمله فرزندپروری مبتنی بر کارکردهای اجرایی (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱)، فرزندپروری با تأکید بر نظریه انتخاب (گلاسر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹، ۲۰۱۰؛ مورفی<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۲) فرزندپروری شایسته<sup>۹</sup> (مک کابی و مارتین<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۳؛ وارن<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲)، فرزندپروری مثبت<sup>۱۲</sup> (ساندرز و پرینزی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵)، فرزندپروری ذهن‌آگاهانه<sup>۱۴</sup> (بوگلس و رستیفو<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۴)، فرزندپروری انعکاسی<sup>۱۶</sup> (بازتابی) (کوپر و ردفیرن<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۶)، فرزندپروری خردمندانه (مقدم و قمرانی، ۱۴۰۱)، اما کمتر پژوهشی در داخل و خارج از کشور به آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر توجه کرده‌اند. فرزندپروری فرایندی است که پرورش فرزندان از بدو تولد تا اوایل بزرگسالی را در بر می‌گیرد و ارتقای تحول جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی فرزندان از اهداف اصلی آن محسوب می‌شود (اوپوکو و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۲۰). فرزندپروری یا شیوه‌های درست تربیت فرزندان، شامل مجموعه‌ای از بینش‌ها و نگرش‌ها درباره فرزندان است که در نحوه مدیریت تعامل‌ها و ارتباط با فرزندان، تأثیر متقابلی را ایجاد می‌کند. این نگرش‌ها و بینش‌ها سبب ایجاد فضایی محبت محور می‌شوند که به رفتار والدین با فرزندان جهت می‌دهد (روسلی<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۴). رویکرد فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر<sup>۲۰</sup> از جمله رویکردهای

1. Wojtczuk-Turek, & Turek

2. Sica

3. Vincent

4. Rha

5. Riany

6. Chen

7. Glasser

8. Murphy

9. parent-child interaction

10. Maccoby, & Martin

11. Warren

12. positive parenting program

13. Sanders, & Prinze

14. Mindful parenting

15. Bögels, & Restifo

16. Reflective Parenting

17. Cooper, & Redfern

18. Opoku

19. Rosli

20. futuristic rational approach (FRA)

مؤثر در ارتقای فرزندپروری سالم، سلامت جسمی مادر - کودک و رشد هیجانی - اجتماعی فرزندان است. رویکرد عقلانی یعنی تربیت فرزندان صالح، سالم، پویا و خلاق با فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای یادگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم و ایفای مسئولیت‌های بزرگ فردی و اجتماعی به‌ویژه نقش همسری (عروس/ داماد) برای آینده (افروز، ۱۴۰۰). رویکرد عقلانی به فرزندپروری توسط (گوویتا، ۲۰۱۱؛ گوویتا و همکاران، ۲۰۱۳) براساس یک برنامه آموزشی برای والدین (گوویتا و همکاران، ۲۰۱۱) با ترکیب ابعاد عقلانی از رفتاردرمانی عقلانی هیجانی و جدیدترین ابعاد تجربی در خصوص آینده فرزندان بسط و گسترش داده شد. رویکرد FRA به‌طورکلی در ابتدا برای کمک قابلیت‌های عقلانی در والدین و کودکان به‌عنوان یک هدف مهم مداخله برای بهبود مهارت‌های تنظیم هیجان در والدین و فرزندان، پاداش به فعالیت‌های مثبت فرزندان و برقراری تعاملات مثبت بین والدین و فرزندان تأکید می‌کند (گوویتا و گالین، ۲۰۱۳؛ داوید، ۲۰۱۹). همچنین این رویکرد به والدین کمک می‌کند با استفاده از تکنیک‌های شناختی پریشانی و ناراحتی بین‌فردی موجود در رابطه با فرزندان را مطابق به تکنیک‌های مرحله اول به دور از تنبیه و خشونت، مدیریت کنند و راهبردهای مناسب برای حل این رفتارها توسط والدین به کار گرفته شود (افروز، ۱۴۰۰). در واقع رویکرد عقلانی فرزندپروری باعث می‌شود والدین از فرزندان انتظارات معقولانه و در حد توانایی خود داشته باشند، به‌صورت عقلانی بر فرزندان خود نظارت داشته باشند، با احترام به نظر آن‌ها به رشد عقلانی فرزندان کمک کنند، آنان را تشویق کنند که مسائل و مشکلاتشان را خود حل کنند، با منطق با فرزندان خود گفت‌وگو کنند، با استدلال آن‌ها را به نظم دعوت کنند و زمینه لازم را برای پیشرفت فرزندان فراهم کنند (داوید، ۲۰۱۷؛ افروز، ۱۴۰۰). تا کنون پژوهش‌های معدودی در زمینه اثربخشی برنامه آموزش فرزندپروری عقلانی انجام گرفته است، برای نمونه در پژوهشی داوید (۲۰۱۴) با عنوان مکانیسم‌های تغییر برنامه فرزندپروری عقلانی بر رفتار برونی‌سازی کودکان به توجه به ایجاد تغییرات در سبک‌های فرزندپروری، کاهش پریشانی روان‌شناختی و نگرش‌های ناکارآمد و باورهای غیرمنطقی نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که فرزندپروری با رویکرد عقلانی باعث بهبود مهارت‌های والدگری، کاهش پریشانی روان‌شناختی والدین و نگرش‌های ناکارآمد آن‌ها در مرحله پس‌آزمون شده است. در مطالعه‌ی دیگر داوید (۲۰۱۹) با عنوان آموزش والدگری عقلانی در پیشگیری از مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی کودکان به این نتیجه دست یافت که اجرای اصل نوآورانه مبتنی بر رویکرد والدگری عقلانی باعث بهبود روابط والد - فرزند و مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی فرزندان شده است. همچنین نتایج مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از مهارت‌های والدگری مثبت عقلانی آینده‌نگر باعث عملکرد تحصیلی بهتر فرزندان در مدرسه، مشکلات رفتاری کمتر آن‌ها و بهبود سلامت روانی آن‌ها می‌شود (آماتو و فوولر، ۲۰۰۲؛ تاتیوچیناتو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). این سبک فرزندپروری منجر به بهبود روابط بین‌فردی، افزایش سلامت روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی فرزندان می‌شود

1. Gavita
2. Calin
3. David
4. Amato, & Fowler
5. Tuntipuchitanon

(چن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). مقدم و قمرانی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با هدف ارزیابی اثربخشی والدگری خردمندانه بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) بر خردمندی والدین و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی نتایج داده‌های مرحله پس‌آزمون نشان داد که خردمندی والدین به همراه هر سه زیرمقیاس (شناختی، تأملی و عاطفی) و همچنین نمرات خلاقیت در زیرمقیاس‌های (بسط، سیالی و انعطاف‌پذیری) با گروه کنترل تفاوت معناداری داشت؛ اما زیرمقیاس ابتکار با گروه کنترل تفاوت معناداری نشان نداد.

با نگاهی بر آن چیزی که مرور شد می‌توان گفت خلاقیت برجسته‌ترین ویژگی انسانی است که نقش ویژه‌ای در پیشرفت‌های بشری داشته است. همچنین با توجه به اینکه سرمایه اصلی هر جامعه افراد آن جامعه به‌خصوص افراد آموزش دیده و دانش‌آموزان هستند، پژوهشگران به لزوم آموزش فرزندپروری عقلانی باهدف بهبود خلاقیت دانش‌آموزان تأکید نموده‌اند و یکی از وظایف اصلی نهادهای آموزشی را پرورش افراد خلاق بیان کرده‌اند در حالی شکل‌گیری و رشد خلاقیت در خانواده صورت می‌گیرد؛ بنابراین آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر به والدین می‌تواند زمینه را برای توجه به ابعاد و عناصر خلاقیت فراهم سازد و با استفاده از این الگوی آموزشی فقط به نظام آموزشی برای آموزش ابعاد خلاقیت متکی نباشیم. از سوی دیگر در بررسی انتقادی مطالعات صورت‌گرفته در خصوص آموزش فرزندپروری می‌توان بیان کرد که اکثر این آموزش‌ها براساس الگوهای غربی طراحی شده و ضرورت پرداخت به نوعی والدگری مرتبط با فرهنگ ایرانی اسلامی که هم به جنبه عقلانی و آینده‌نگر بپردازد تا بتواند منطبق بر تحول فرزندان زمینه را برای رشد همه‌جانبه عناصر شناختی، انگیزشی و هیجانی خلاقیت در فرزندان ایجاد نماید ضرورت استفاده از این الگوی آموزشی را دوچندان کرد. در مجموع، با توجه به استفاده این رویکرد از ابعاد عقلانیت، تعقل و خردمندی با وجود تاریخچه طولانی که در فلسفه و مذهب برای این مفاهیم وجود دارد، بسترسازی آموزش خلاقیت توسط والدین و نهادهای آموزشی با هدف رشد افراد خلاق، نوآور و خردمند می‌تواند گام‌های اساسی در جهت بهبود و ارتقای آن در والدین نسل جدید فراهم نمود که توجه به این ابعاد و پوشش خلاءهای پژوهشی و تجربی بر بدیع بودن مطالعه حاضر می‌افزاید؛ لذا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا برنامه آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر منجر به افزایش خلاقیت فرزندان می‌شود؟

## روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی یک مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش شامل والدین دانش‌آموزان دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. نمونه پژوهش ۳۰ نفر از والدین مدارس دبستانی شهر تهران بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین صورت که در ابتدا از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران دو منطقه ۱ و ۳ به صورت در دسترس انتخاب و در ادامه ضمن هماهنگی با مسئولین آموزش و پرورش و اخذ مجوزهای لازم از هر ناحیه دو مدرسه انتخاب شد در مرحله بعد پس از

اعلام فراخوان برگزاری دوره‌های آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر، در هر یک از مدارس از بین والدین مراجعه کننده به صورت تصادفی با توجه به ملاک‌های ورود و خروج از مطالعه ۳۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایشی و گواه گمارده (هر گروه ۱۵ نفر) و سپس پیش‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگری طی ۱۰ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمایشی اجرا و گروه کنترل در فهرست انتظار قرار گرفت. درنهایت، مرحله پس‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. شرح جلسات در جدول شماره ۱ آورده شده است. مؤلفه‌های این بسته در پژوهش افروز (۱۴۰۰) استخراج و تعیین روایی شده است. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به مطالعه عبارت بود از: رضایت و تمایل آگاهانه، مطلقه نبودن، نداشتن فرزند معلول، داشتن حداقل یک فرزند دبستانی و نداشتن اختلال روانی ویژه‌ای که موجب همکاری نکردن شود. معیارهای خروج نیز شامل حاضر نشدن در دو جلسه پیاپی، شرکت در جلسات آموزشی دیگر و همکاری نکردن در انجام تکالیف بود. در این پژوهش به منظور رعایت اصول اخلاقی، پیش از ورود افراد به مطالعه به آنان نسبت به روش اجرا و هدف از مطالعه آگاهی داده شد و افراد با رضایت کامل فرم رضایت‌نامه را تکمیل و در مطالعه شرکت کردند. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که تمام اطلاعات و اسرار آنان محرمانه باقی خواهد ماند و فقط برای مقاصد پژوهشی و بدون ذکر نام استفاده خواهد شد؛ همچنین شرکت‌کنندگان در هر مرحله از پژوهش که مایل باشند می‌توانند از پژوهش خارج شوند. در این مطالعه با توجه به نرم‌افزار G\*Power و استفاده از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA)، اندازه اثر ۰/۵۰، توان آماری ۰/۸۵، تعداد گروه‌ها ۲ و تعداد متغیرهای وابسته ۱ اندازه حجم نمونه ۲۲ نفر (۱۱ نفر برای هر گروه) برآورد شد. در حالی که با در نظر گرفتن افت آزمودنی‌ها ما برای هر گروه ۱۵ نفر را در نظر گرفتیم. برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شده است.

**پرسشنامه‌ی خلاقیت عابدی:** این پرسش‌نامه براساس نظریه تورنس درباره خلاقیت و در سال ۱۳۶۳ به‌وسیله عابدی در تهران ساخته شده است. این پرسش‌نامه چندین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در نهایت فرم ۶۰ سؤالی آن به‌وسیله عابدی تدوین شد. این آزمون ۶۰ سؤالی؛ از چهار خرده آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است. هر ماده دارای ۳ گزینه است که نشان دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و بالا هستند. نمره یک برای خلاقیت پایین، نمره دو برای خلاقیت متوسط و نمره سه برای خلاقیت بالا در نظر گرفته شده است (آزمندی، ویلا و عابدی، ۱۹۹۶)؛ یعنی سؤال‌های ۱ تا ۲۲ عامل سیالی، ۲۳ تا ۳۳ عامل بسط، ۳۴ تا ۴۹ عامل ابتکار ۵۰ تا ۶۰ عامل انعطاف‌پذیری را می‌سنجد. حداکثر نمره در این آزمون ۱۲۰ است. در ابتدا، اعتبار تست سنجش خلاقیت عابدی بررسی شد. برای این کار از روش ضریب همسانی درونی و آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضریب برای بخش‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ بود. در مرحله بعد و با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی میزان هماهنگی مواد تست در هر بخش محاسبه شد. مواد تست در هر چهار بخش همبستگی به نسبت بالایی (بین

۰/۵۵ تا ۰/۸۵) با نخستین متغیر نهفته داشتند. هر یک از بخش‌ها، عامل یا متغیر نهفته اول بین ۵۰ تا ۶۰ درصد از واریانس کل سؤال‌ها را تبیین می‌کرد که این نشانگر هماهنگی درونی و روایی سازه آزمون است. به عبارت دیگر، نتایج حاصل از کاربرد روش تحلیل عاملی نشان می‌دهد که پرسش‌نامه خلاقیت از روایی هم‌زمان قابل قبولی برخوردار است (ساعتچی، کامکار و عسگریان، ۱۳۸۹). به منظور اندازه‌گیری ضریب پایایی آزمون خلاقیت، پژوهشی بر روی دانش‌آموزان انجام شده و ضریب به دست آمده ۰/۸۲ بود، همچنین در مقیاس سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۸، انعطاف‌پذیری ۰/۷۶ و بسط ۰/۷۰ گزارش شده است که بالا بودن ضریب پایایی در این آزمون را نشان می‌دهد (کفایت، ۱۳۷۳).

**برنامه آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر:** برنامه آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر برگرفته از محتوای آموزش افروز (۱۴۰۰) در قالب ۱۰ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای به صورت هفتگی در یکی از مدارس ناحیه ۱ شهر تهران به والدین دانش‌آموزان دبستانی آموزش داده شد.

**روایی و پایایی آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر:** در این پژوهش قبل از اجرای برنامه آموزشی فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر در ابتدا به بررسی مبانی نظری آن پرداخته شد هدف این بخش، بررسی پیشینه و تاریخچه و مبانی نظری برنامه‌های فرزندپروری با هدف دستیابی به اطلاعات و شناخت برنامه‌ها بود که با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. در مرحله دوم به بررسی برنامه‌های فرزندپروری موجود پرداخته شد در این گام از روش تحلیل محتوا استفاده شد. هدف از این گام، مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های موجود باهدف گردآوری عوامل و مؤلفه‌های مؤثر آموزشی، شناسایی مؤلفه‌های اثربخش، نقاط قوت و ضعف برنامه‌های موجود در حوزه فرزندپروری و آموزش خانواده بود. در این مرحله برنامه‌های فرزندپروری شامل فرزندپروری مثبت (ساندرز، ۱۹۹۳)، آموزش مدیریت والدین یا بهبود تعامل والد - کودک در محیط خانه (کازدین و دی لوس ریس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱)، فرزندپروری مبتکرانه<sup>۲</sup> (شافر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴)، فرزندپروری ذهن‌آگاهانه (کابات زین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) و فرزندپروری آرامش‌بخش<sup>۵</sup> (مارکهام<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸) و... بررسی و ابعاد مرتبط با رویکردهای آینده‌نگری و تأکید بر عقلانیت مورد توجه قرار گرفت. در ادامه با توجه به هدف برنامه براساس دو مرحله قبلی هدف‌ها و محتوای برنامه با توجه به دو مؤلفه عقلانی بودن و آینده‌نگر بودن شامل درک هیجان‌ها، خودتنظیمی در لحظه، کار با هیجان‌های اصلی، شکستن عادت و شفاف‌بخشی، ذهن‌آگاهی و تحول‌آفرینی با توجه به ابعاد همدلی، مراقبت، محبت، توجه به واژه‌های انضباطی، بازی و خنده، اختصاص زمان ویژه، جست‌وجوی فرصت‌های روزانه برای برقراری ارتباط مؤثر، بانک هیجان کودک و سازمان‌دهی روابط را در بر می‌گرفت. براساس نیازسنجی مشخص شد که قبل از طراحی برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر برای کودکان به مصاحبه با گروه

1. Kazdin, & De Los Reyes
2. quality parentng initiative
3. Shaffer
4. Kabat-Zinn
5. Peaceful Parent
6. Markham



هدف و بررسی چالش‌های فرزندپروری پرداخته شد به همین دلیل با استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه داده بنیاد به دنبال بررسی چالش‌های پرورش کودکان خلاق از دیدگاه متخصصان پرداخته شد. جهت اجرای این روش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. روند کار به گونه‌ای بود که بعد از مطالعه و بررسی های فراوان و بهره‌مندی از نظر متخصصان، سؤال‌های مصاحبه نهایی شد و مصاحبه‌ها آغاز و تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت. به مصاحبه‌شوندگان اجازه داده شد تا درباره جزئیات مربوط به موضوع اصلی به اندازه شناخت و تجربه های خود نظر دهند. به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شدند. پژوهشگران، هر مصاحبه ضبط شده و یادداشت‌های مرتبط با آن را بلافاصله در ۲۴ ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه کرده و مفاهیمی که به ذهن می‌رسید را یادداشت می‌کردند. تمام مصاحبه‌ها با همین روش کدگذاری شدند. در واقع، کدگذاری داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. پس از انجام تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها در پایان مرحله کدگذاری ۱۰ کد انتخابی، ۴۸ کد محوری و ۲۵۰ کد باز مشخص شد.

در گام بعدی اعتباریابی محتوای برنامه فرزندپروری انجام شد. با توجه به این که برای اعتباریابی برنامه مداخلاتی از روش کنش متقابل سه‌گانه و مثلث‌سازی بررسی کننده (سه گروه متخصصان) استفاده شد. متخصصان منتخب در سه گروه (پنج متخصص در حوزه روان‌شناسی کودک، پنج نفر از معلمان و پنج نفر از والدین آنها) پرسش‌نامه چهار سؤالی را براساس محتوای جلسات در یک طیف ده درجه‌ای مشخص کردند. سؤال ۱- آیا هدف و محتوای هر جلسه با هم ارتباط دارند؟ سؤال ۲- آیا محتوای هر جلسه به گونه‌ای روشن و ساده بیان شده است، سؤال ۳- برنامه هر جلسه تا چه حد به برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر مربوط می‌شود؟ و سؤال ۴- برنامه هر جلسه تا چه حد به برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر کودکان دبستانی مربوط می‌شود؟ پس از جمع‌بندی و تحلیل داده‌ها، برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر اعتباریابی شد. میانگین توافقی نمرات متخصصان در مورد همه جلسات بیشتر از ۸ بود. این اعداد برای تعیین ضریب پایایی بر حسب درصد در جدول بالا گزارش شده است. میانگین کلی نمرات توافقی متخصصان درباره محتوای نهایی جلسات برابر با ۹۶ درصد به دست آمد که بیانگر پایایی بالای برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر است.

برای تعیین روایی محتوایی برنامه از ضریب نسبت روایی محتوایی و شاخص روایی محتوایی استفاده شد. به منظور محاسبه نسبت روایی محتوایی از روش لاوشه<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) و فرمول زیر استفاده شد. متخصصان در این روش، محتوای هر جلسه را براساس سه طبقه ضروری، مفید و غیرضروری بررسی کردند و به طبقه‌های ضروری، مفید و غیرضروری به ترتیب نمره یک، صفر و منفی یک دادند.

$$CVR = n_e - N/2 \div N/2$$

در ضمن به منظور تعیین شاخص روایی محتوایی از روش والتس و باسل<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) استفاده شد. شاخص روایی محتوایی در سطح هر آیتیم یا محتوای هر جلسه (I-CVI) و کل برنامه (S-CVI) به دست آمد. این شاخص بیانگر جامع بودن قضاوت‌های مربوط به قابلیت اجرای برنامه نهایی یا روایی آن است. در این راستا، سه معیار ارتباط یا اختصاصی بودن، وضوح یا شفافیت، سادگی یا روان بودن با استفاده از طیف لیکرتی چهار درجه‌ای برای محتوای هر جلسه یا هر آیتیم برنامه ارزیابی شد. به منظور تعیین شاخص روایی محتوایی در هر یک از معیارهای سه‌گانه فوق از فرمول زیر استفاده شد. تعداد تمامی پاسخ‌ها به هر جلسه ÷ تعداد پاسخ‌های موافق با رتبه‌های ۳ و ۴ برای هر جلسه = CVI از طریق محاسبه میانگین مجموع امتیاز معیارهای سه‌گانه هر جلسه، مقدار شاخص روایی محتوایی کل همان جلسه به دست آمد. لازم به ذکر است که آیتیم‌های با نمره بالاتر از ۰/۷۹ مناسب هستند، بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ نیاز به اصلاح دارند و کمتر از ۰/۷۰ غیرقابل قبول هستند و باید حذف شوند. به منظور تعیین روایی محتوایی کل برنامه (S-CVI/Ave) نیز از متوسط شاخص روایی محتوایی استفاده شد. این شاخص نسبتی از کل آیتیم‌هایی است که روایی محتوایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت؛ یعنی این شاخص، نسبتی از آیتیم‌هایی در یک ابزار است که توسط متخصصان یا خبرگان پنل، نمره ۳ یا ۴ کسب کردند. در نهایت ضریب نسبی روایی محتوایی و متوسط شاخص روایی محتوایی کل جلسات به ترتیب برابر با ۰/۹۴ و ۰/۹۶ بود. بر این اساس که هر چه ضریب روایی به یک نزدیک‌تر باشد روایی بیشتر است پس برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر روایی بالایی دارد. گام هفتم بازنگری و نهایی‌سازی برنامه بود. با انجام شش مرحله قبلی، برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر طراحی و نهایی شد و مورد تصویب متخصصان قرار گرفت. در طراحی این برنامه ۱۰ جلسه در نظر گرفته شد که دو جلسه آن با موضوع برقراری ارتباط، معرفی برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر، تجارب مشترک والدین و پرداختن به چالش‌های رایج والدگری بود. در نهایت کتابچه‌ای از فرم نهایی برنامه تهیه شد و در پایان جلسات آموزشی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

جدول ۱. ساختار جلسات آموزشی آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر افروز (۱۴۰۰)

جلسات	هدف	محتوای جلسه
جلسه اول	آشنایی با سبک‌های فرزندپروری	آشنایی اعضا با یکدیگر و با رهبر گروه، ایجاد یک رابطه مبتنی بر همکاری، ذکر خلاصه‌ای از مراحل شکل‌گیری گروه و علت انتخاب آنان، تعیین اهداف گروه، تشریح نحوه تشکیل جلسات و زمان جلسات بعدی، معرفی سبک‌های متداول فرزندپروری، سنجش نگرش‌های اولیه اعضای گروه نسبت به روش‌های فرزندپروری
جلسه دوم	آشنایی با بهترین سبک فرزندپروری	مروری بر مباحث جلسه گذشته، معرفی رویکرد عقلانی و آینده‌نگر فرزندپروری، آماده نمودن فرزند/ فرزندانش برای ایفای خطیرترین رسالت‌ها در آینده نه چندان دور، در جایگاه همسری و مادری/ پدری.
جلسه سوم	آشنایی با تفاوت‌های فرزندان	علی‌علیه‌السلام: فرزندانمان را برای فردا آماده نماییم (نهج‌البلاغه) آشنایی با ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و نیازهای تحولی فرزندان، فرزندانمان را با ویژگی‌های امروز بنگریم و برای قابلیت‌های و نقش‌های پرمسئولیت فردا آماده نماییم، بایسته است همواره به‌جای کودک پروری و نوجوان پروری، به‌جای تیزهوش پروری و آماده کردن برای تست و کنکور و دکتر و مهندس پروری، در اندیشه

آفرینش بستر مطلوب برای پرورش فرزند سالم و باصلابت، دل‌آرام و پرنشاط و عروس/ داماد آرامش‌گر برای فردای بهتر باشیم		
آشنایی با رویکردهای پرورش خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی و پیوندهای خانوادگی کودکان و نوجوانان خلاق، رسالت والدین تلاش دار و دل‌آرام و محبوب در فراهم نمودن زمینه‌های پدیدآیی خلاقیت در فرزندان فوق‌العاده مهم است و نمایش اسلایدهای خلاقیت	آموزش تفکر مولد و خلاقیت ذهنی	جلسه چهارم
اهمیت یادگیری غیرمستقیم و مشاهده‌ای فرزندان در خانواده، به‌ویژه مشاهده تعاملات والدین، ارائه تعریف از محبت در قاموس روان‌شناسی دینی، آشنایی با زبان و رفتار کریمانه	آموزش محبت‌پذیری فرزندان	جلسه پنجم
معرفی تأیید و تکریم فرزندان و اصول آن و مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب		
مرور مباحث جلسه قبل، ضرورت آراسته نمودن خانواده به مثابه آموزشگاه عروس پروری و داماد پروری، چگونگی تحقق بخشیدن به هدف غایی ازدواج با آرامش‌گری متقابل والدین، ارائه تعریف از آرامش روان و امنیت درون، آموزش مثبت‌اندیشی، آموزش عفو و گذشت، آموزش خیرخواهی و خیرآفرینی، آموزش گشاده‌رو و متبسم بودن، آموزش اهل تلاش و توکل بودن... مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب.	آموزش آرامش‌طلبی فرزندان	جلسه ششم
توجه خاص به ایفای حقوق عاطفی فرزندان، در حریم خانواده فرزندان حق دارند:		
پدر/مادرشان را دوست داشته باشند، حق دارند پدر/ مادرشان محبوب و دوست‌داشتنی باشند و حق دارند پدرشان عاشق مادرشان باشد و مادرشان شیفته پدرشان باشد. حاکمیت گل‌واژه‌های عاطفی در خانواده، استفاده کمتر از واژه‌های انضباطی و جایگزینی آن با گل‌واژه‌هایی که نشانی از روابط رقیقانه و صمیمانه و شفیقانه دارد. ارائه توضیح در مورد تأثیر منفی واژه‌های انضباطی، ارائه توضیح در مورد تأثیر گل‌واژه‌های رقیقانه و صمیمانه بر سبک فرزندپروری والدین. روش‌های مطلوب جهت اصلاح واژه‌ها و اثر آن‌ها بر زندگی فرزندان. مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب.	آموزش تأثیر واژه‌های انضباطی	جلسه هفتم
مرور مباحث جلسه قبل، توضیح ویژگی‌های رشدی هر مرحله از زندگی (در ابعاد مختلف شناختی، هیجانی، عاطفی...)، توضیح نیازهای هر مقطع سنی، توضیح اهمیت اولویت قرار دادن به فرزندان بزرگ‌تر، مروری کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب.	آموزش در نظر گرفتن ویژگی‌های رشدی و تحولی فرزندان	جلسه هشتم
مرور مباحث جلسه قبل، مروری بر تکالیف خانگی انجام شده، اهمیت شناخت و توجه به تفاوت‌ها بین اعضای خانواده، غالب بودن گل‌واژه‌های تأیید، تکریم، ترغیب و تشویق در تعاملات خانوادگی، پرهیز از زبان تکذیب، تحقیر، تهدید و تنبیه، توضیح محبت و تکریم به‌عنوان نیاز عاطفی اساسی فرزندان و چگونگی تأمین آن در فرزندان. مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب.	آموزش محبت و تکریم متقابل والدین و فرزندان	جلسه نهم
مرور مباحث جلسه قبل، مروری بر تکالیف خانگی انجام شده، توضیح اهمیت داشتن تعاملات مطلوب اجتماعی و تقویت نگرش‌های خوشایند، اهمیت رابطه پدر و پسر نکات مربوط به این ارتباط، اهمیت رابطه مادر و دختر و نکات مربوط به این ارتباط، تأکید بر کاربرد دستاوردهای برنامه آموزشی از طریق تمرین در زندگی واقعی، اجرای پس‌آزمون	آموزش اهمیت ارتباط با خویشان و آشنایان	جلسه دهم
قدردانی از اعضا به دلیل همکاری.		

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: تجزیه و تحلیل یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و

آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس چندمتغیری) انجام شد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۶ صورت گرفت.

## یافته‌ها

نتایج حاصل از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که از بین پاسخگویان آزمون در گروه نمونه بیشترین فراوانی و درصد مربوط به سن کودک ۹ سال به تعداد ۶ نفر (۴۰ درصد)، سن مادر ۲۸-۳۲ سال به تعداد ۸ نفر (۵۳/۴ درصد)، شغل خانه‌دار به تعداد ۹ نفر (۶۰ درصد) و سطح تحصیلات لیسانس به تعداد ۸ نفر (۵۳/۴ درصد) در گروه آزمایش بود. همچنین در گروه گواه بیشترین فراوانی و درصد مربوط به سن کودک ۱۰ سال به تعداد ۷ نفر (۴۶/۷ درصد)، سن مادر ۲۸-۳۲ سال به تعداد ۸ نفر (۵۳/۴ درصد)، شغل خانه‌دار به تعداد ۸ نفر (۵۳/۴ درصد) و سطح تحصیلات لیسانس به تعداد ۷ نفر (۴۶/۷ درصد) بود. میانگین سنی (و انحراف استاندارد) مادران گروه آزمایش ۳۱/۱۴ (۴/۱۴) بود. همچنین میانگین سنی مادران گروه گواه ۳۲/۴۱ (و ۳/۸۸) بود.

جدول ۲. میانگین (و انحراف استاندارد) خرده مقیاس‌های خلاقیت در پیش‌آزمون - پس‌آزمون گروه‌های آزمایشی و گواه

متغیر	موقعیت	گروه آزمایش		گروه گواه	
		M	SD	M	SD
سیالی	پیش‌آزمون	۲۸/۳۳	۱/۹۱	۲۸/۶۶	۱/۵۸
	پس‌آزمون	۳۴/۱۳	۱/۱۸	۲۹/۲۰	۱/۶۵
ابتکار	پیش‌آزمون	۲۳/۷۳	۱/۵۷	۲۳/۴۰	۱/۵۹
	پس‌آزمون	۲۸/۱۳	۱/۳۵	۲۴/۵۳	۱/۷۶
انعطاف‌پذیری	پیش‌آزمون	۱۵/۵۳	۱/۱۲	۱۵/۶۰	۰/۹۵۵
	پس‌آزمون	۱۸/۸۶	۰/۸۳۳	۱۶/۴۶	۰/۹۹۰
بسط	پیش‌آزمون	۱۵/۲۶	۰/۸۸۳	۱۵/۰۶	۰/۸۸۳
	پس‌آزمون	۱۹/۲۰	۰/۶۷۶	۱۵/۶۶	۰/۸۱۶
خلاقیت	پیش‌آزمون	۸۲/۸۶	۲/۸۵	۸۲/۷۳	۱/۸۶
	پس‌آزمون	۱۰۰/۳۳	۱/۵۸	۸۵/۸۶	۲/۲۳

باتوجه به نتایج جدول ۲ میانگین (و انحراف استاندارد) نمره کل خلاقیت گروه آزمایشی در پیش‌آزمون ۸۲/۸۶ (و ۲/۸۵)، در پس‌آزمون ۱۰۰/۳۳ (و ۱/۵۸) است. همچنین میانگین (و انحراف استاندارد) نمره کل خلاقیت گروه گواه در پیش‌آزمون ۸۲/۷۳ (و ۱/۸۶)، در پس‌آزمون ۸۵/۸۶ (و ۲/۲۳) است. به عبارت دیگر فرزندان گروه آزمایشی پس از دریافت آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر از خلاقیت بالاتری برخوردار است.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد؛ بنابراین قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، برای اطمینان از این که داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی تحلیل کوواریانس چندمتغیری را برآورد می‌کنند، به بررسی آن‌ها پرداخته شد. بدین منظور شش مفروضه تحلیل کوواریانس چندمتغیری شامل نرمال بودن واریانس‌ها برای نیل به رعایت این مفروضه نتایج آزمون شاپیروویک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در پیش‌آزمون خلاقیت گروه آزمایش ( $Z=0/967$ ,  $df=15$ ,  $P\leq 0/119$ ) و پس‌آزمون خلاقیت

( $Z=0/1872$ ,  $df=15$ ,  $P\leq 0/036$ ) و برای پیش‌آزمون خلاقیت گروه گواه ( $Z=0/939$ ,  $df=15$ ,  $P\leq 0/365$ ) و پس‌آزمون خلاقیت ( $Z=0/904$ ,  $df=15$ ,  $P\leq 0/108$ ) برقرار است ( $P\geq 0/05$ )، نتایج نمودار پراکندگی (اسکاتر) نشان داد که مفروضه خطی بودن بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیرهای مورد مطالعه برقرار است، همچنین با توجه به نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای کمکی (کوواریت‌ها) و پس‌آزمون آن که با یکدیگر همبستگی بالایی  $0/90$  داشتند و با توجه به همبستگی‌های به دست آمده، تقریباً مفروضه هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای کمکی (کوواریت‌ها) اجتناب شده است، نمودار باکس ویسکر<sup>۱</sup> نشان داد که در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون نمره‌ای در کرانه بالا و پایین متغیرها مشاهده نشد که نشان دهنده این امر بود که مفروضه بررسی داده‌های پرت به‌درستی رعایت شده است، نتایج آزمون باکس برای متغیر خلاقیت ( $F=1/173$  و  $BOX=13/899$ ) نشان داد که معناداری آزمون باکس از  $0/05$  بیشتر است در نتیجه فرض مربوط به همگنی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس، پذیرفته شد. آزمون لوین محاسبه شده در مورد هیچ یک از مؤلفه‌های خلاقیت مورد بررسی از لحاظ آماری برای متغیر خلاقیت در مرحله پس‌آزمون ( $F_{(1,28)} = 0/085$ ,  $P\geq 0/773$ ) معنی‌دار نبوده است؛ بنابراین مفروضه همگونی واریانس‌ها نیز تأیید شد. لازم به ذکر است که آزمون همگونی ضرایب رگرسیونی از طریق تعامل پیش‌آزمون نمرات متغیر خلاقیت با متغیرهای مستقل (آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر) در مرحله پس‌آزمون مورد بررسی قرار گرفت. تعامل این پیش‌آزمون‌ها با متغیر مستقل (پس‌آزمون  $0/671 \geq 0/05$ ) =  $F = 0/684$  و  $Wilkes\ Lambda = 0/931$ ) معنادار نبوده و حاکی از همگونی ضرایب رگرسیونی است همان‌طور که مشاهده می‌شود آماره‌های چندمتغیری مربوطه یعنی لامبدای ویکلس معنی‌دار نمی‌باشند ( $P\geq 0/05$ ).

جدول ۳. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیری بر میانگین نمرات مؤلفه‌های خلاقیت در پس‌آزمون

موقعیت	آزمون	مقدار	F	Df فرضیه	df خطا	P	اندازه اثر
	اثر بیلابی	0/966	148/220	4	21	$P\leq 0/001$	0/966
پس‌آزمون	لامبدای ویلکز	0/034	148/220	4	21	$P\leq 0/001$	0/966
	اثر هتلینگ	28/232	148/220	4	21	$P\leq 0/001$	0/966
	بزرگ‌ترین ریشه روی	28/232	148/220	4	21	$P\leq 0/001$	0/966

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان می‌دهد که  $F$  کلی در مرحله پس‌آزمون با ارزش لامبدای ویلکز  $0/034$  در سطح  $P < 0/001$  معنی‌دار است و این گواه آن است که مداخله‌های آزمایشی دست‌کم در بهبود یکی از مؤلفه‌های متغیر وابسته (خلاقیت) مؤثر بوده است. در ضمن با توجه به شاخص لامبدای ویلکز می‌توان نتیجه گرفت که مداخله‌های آزمایشی ۹۶ درصد واریانس بهبودی را تبیین می‌کنند. جهت پی‌بردن به این تفاوت دو تحلیل کوواریانس در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری در متن مانکوا روی میانگین نمرات مؤلفه‌های خلاقیت

موقعیت	منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	P	اندازه اثر	توان آماری
مدل	سیالی	۱۹۳/۱۱۳	۵	۳۸/۶۲۳	۱۹/۴۹۲	$P \leq 0.001$	۰/۸۰	۱
	ابتکار	۱۳۷/۱۶۳	۵	۲۷/۴۳۳	۲۲/۳۱۵	$P \leq 0.001$	۰/۸۲	۱
	انعطاف‌پذیری	۴۹/۲۵۱	۵	۹/۸۵۰	۱۳/۵۷۴	$P \leq 0.001$	۰/۷۳	۱
	بسط	۱۰۰/۳۴۴	۵	۲۰/۰۶۹	۵۳/۳۷۹	$P \leq 0.001$	۰/۹۰	۱
گروه	سیالی	۱۸۶/۰۹۶	۱	۱۸۶/۰۹۶	۹۳/۹۲۱	$P \leq 0.001$	۰/۷۹	۱
	ابتکار	۸۰/۵۱۷	۱	۸۰/۵۱۷	۶۵/۴۹۷	$P \leq 0.001$	۰/۷۳	۱
	انعطاف‌پذیری	۴۴/۳۳۴	۱	۴۴/۳۳۴	۶۱/۰۹۴	$P \leq 0.001$	۰/۷۱	۱
	بسط	۸۲/۷۵۴	۱	۸۲/۷۵۴	۲۲۰/۱۱۱	$P \leq 0.001$	۰/۸۹	۱
خطا	سیالی	۴۷/۵۵۴	۲۴	۱/۹۸۱	-	-	-	-
	ابتکار	۲۹/۵۰۴	۲۴	۱/۲۲۹	-	-	-	-
	انعطاف‌پذیری	۱۷/۴۱۶	۲۴	۰/۷۲۶	-	-	-	-
	بسط	۹/۰۲۳	۲۴	۰/۳۷۶	-	-	-	-

براساس نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۴، تفاوت میانگین نمرات سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط دو گروه آزمایشی و گروه گواه در مرحله پس‌آزمون معنی‌دار است؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر بر نمرات سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط فرزندان در گروه‌های آزمایشی در مرحله پس‌آزمون را افزایش داده است. میزان تأثیر آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر بر سیالی ۰/۷۹، ابتکار ۰/۷۳، انعطاف‌پذیری ۰/۷۱ و بسط ۰/۷۹ است. بدین معنی که به ترتیب ۷۹، ۷۳، ۷۱ و ۷۹ درصد واریانس افزایش سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط در مرحله پس‌آزمون ناشی از شرکت در جلسات آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر است توان آماری ۱ حاکی از دقت آزمون آماری به‌کاررفته و کفایت حجم نمونه است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری در متن مانکوا روی میانگین نمره خلاقیت

موقعیت	منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	P	اندازه اثر	توان آماری
مدل		۱۵۹۴/۹۱۹	۲	۷۹۷/۴۵۹	۲۶۹/۸۸۰	$P \leq 0.001$	۰/۹۵۲	۱
پیش‌آزمون		۲۵/۲۸۵	۱	۲۵/۲۸۵	۲۹/۳۳۴	$P \leq 0.007$	۰/۲۴۱	۰/۸۰۵
گروه		۱۵۵۶/۹۷۱	۱	۱۵۵۶/۹۷۱	۵۲۶/۹۱۸	$P \leq 0.001$	۰/۸۸۱	۱
خطا		۷۹/۷۸۱	۲۷	۲/۹۵۵	-	-	-	-
کل		۲۶۱۷۰۳/۰۰۰	۳۰	-	-	-	-	-

براساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل کوواریانس تک متغیری تفاوت میانگین نمرات خلاقیت دو گروه آزمایشی و گروه گواه در مرحله پس‌آزمون معنی‌دار است؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر بر نمرات خلاقیت فرزندان در گروه‌های آزمایشی در مرحله پس‌آزمون را افزایش داده است. میزان تأثیر برای نمره کل

خلاقیت ۰/۸۸ است. بدین معنی که ۸۸ درصد واریانس افزایش خلاقیت در مرحله پس‌آزمون ناشی از شرکت در جلسات آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر است توان آماری ۱ حاکی از دقت آزمون آماری به‌کاررفته و کفایت حجم نمونه است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر اثربخشی برنامه‌ی آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر بر خلاقیت فرزندان بود. نتایج حاصل از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد که فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر منجر به افزایش خلاقیت فرزندان گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل شده است. از آنجاکه تاکنون در خصوص اثربخشی برنامه‌ی آموزش فرزندپروری با رویکرد عقلانی آینده‌نگر بر خلاقیت کودکان مطالعات کمی در داخل و خارج کشور صورت‌گرفته و تعداد مداخلات صورت گرفته در خارج از کشور مبتنی بر رویکرد عقلانی مثبت حاکی از اثربخشی این نوع مداخله بر مشکلات درونی‌سازی برونی‌سازی بوده است این نتایج به‌صورت غیرمستقیم با مطالعات (داوید، ۲۰۱۴؛ وایتل و همکاران، ۲۰۱۴؛ داوید، ۲۰۱۹؛ چن و همکاران، ۲۰۱۹؛ تاتیوچیناتو و همکاران، ۲۰۲۲؛ مقدم و قمرانی، ۱۴۰۱) مبنی بر اینکه استفاده از فرزندپروری عقلانی مثبت و فرزندپروری خردمندانه منجر به افزایش بهزیستی و افزایش کارکردهای شناختی و هیجانی در نوجوانان و کاهش مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی آن‌ها می‌شود همخوانی دارد. همچنین مطابق با مفهوم منطقه تقریبی رشد ویگوتسکی (۱۹۶۲) کودکان از طریق کار مشترک با همسالان و بزرگسالان پیشرفته‌تر یادگیری‌های جدید را توسعه می‌دهند و این تعاملات اجتماعی در طول همکاری با همسالان و بزرگسالان فرصت‌هایی را برای پیشرفت خلاقیت فراهم می‌کند. از سوی دیگر برنامه آموزشی طوری تدوین شده است که از همان جلسه اول تکالیف خلاقانه با همراه آموزش در قابل فیلم‌های آموزشی در اختیار والدین قرار داده شد تا یادگیرندگان زمان کافی برای بروز ایده‌ها و افکار خود داشته باشند و محدودیت فشار زمانی در انجام تکالیف که منجر به ایجاد تنش و اضطراب در یادگیرندگان می‌شود و از جمله موانع شکوفا شدن خلاقیت در کودکان است را ادراک نکند و یادگیرندگان فرصت لازم را برای حل مسئله داشته باشند و یک مسئله را از جنبه‌های مختلف بررسی و راه‌حل‌های متعدد و جدید، ایده‌ها و پاسخ‌های غیرمعمولی برای یک مسئله کشف کنند و حتی به روابط بین ایده‌ها نیز دست پیدا کنند. در کنار این ابعاد توجه به عنصر زمانی که صرف آموزش می‌شود، عنصر فضای که آموزش در آن صورت می‌گیرد، تقویت کار مشارکتی و تشکیل گروه‌های کوچک با والدین، استفاده از کارگروهی، روش آموزش پرسش‌وپاسخ و حل مسئله به همراه یادگیری اکتشافی، ارزشیابی درست والدین از کارهای فرزندان همراه با در اختیار داشتن عناصر و مواد آموزشی می‌تواند فرایند یادگیری و یاددهی را تسهیل و از این طریق منجر به بروز ایده‌های خلاقانه شود.

در تبیین دیگر این نتایج می‌توان گفت باتوجه به اینکه برنامه آموزش فرزندپروری عقلانی - آینده‌نگر یک محیط آموزشی که متناسب با سن کودکان حوزه‌های اجتماعی/عاطفی، جسمانی، شناختی و زبانی را پشتیبانی می‌کند و این برنامه به والدین در خصوص کنجکاوی کودکان (توانایی پرسیدن سؤال و کشف چگونگی انجام کارها)، خلاقیت (توانایی

ایجاد ایده‌های جدید و کاربردی آن‌ها در عمل)، انتقاد (توانایی تجزیه و تحلیل اطلاعات و ایده‌ها و ایجاد استدلال و قضاوت)، ارتباطات (توانایی بیان افکار و احساسات به روشنی و با اطمینان در طیف وسیعی از رسانه‌ها و اشکال)، همکاری با همسالان و والدین (توانایی کار سازنده با دیگران)، شفقت (توانایی همدلی با خود و دیگران)، ترکیب توانایی ارتباط با زندگی و ایجاد احساس هماهنگی و تعادل شخصی باعث تقویت توانایی‌ها، نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری قابل توجه والدین در طول زندگی شده است و اثر قابل توجهی را بر تفکر واگرا، حل مسئله، عملکرد و رفتار نگرش داشته است؛ لذا تغییرات ایجاد شده در این ابعاد با در نظر گرفتن اهداف و محتوای انعطاف‌پذیر، فعالیت‌های مفید و متنوع و تکالیف باز، تعامل با دنیای واقعی، ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه توسط والدین با تأکید بر حوزه‌ی شناختی و فراشناختی، اجازه به یادگیرندگان در کاوش و توسعه ایده‌های جدید را برای توسعه مهارت‌های خلاقانه در فرزندان فراهم کرده است.

برنامه فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر یک مدل توانمندسازی است که والدین را در جهت خودتنظیمی، پذیرش مسئولیت، اعتماد، حمایت، شفقت و مهربانی در فرزندپروری تشویق می‌کند، در این برنامه آموزشی یک زمان خاص حداقل ۳۰ دقیقه به کودک اختصاص داده می‌شود تا در آن توسط هر کدام از والدین یک برنامه خلاقانه و با نشاط تدوین و به کودک کمک می‌شود برای حل مسائل مطرح شده راه‌حل‌های ارائه کند، در این بین هر یک از اعضای خانواده با استفاده از روش بارش مغزی تلاش می‌کند برای مسئله پیشرو راه‌حلی ارائه دهد اولین راه‌حل قاعداً توسط کودک ارائه می‌شود؛ اگر کودک در ارائه راه‌حل ناتوان باشد به او وقت و زمان کافی داده می‌شود با مهربانی از او حمایت می‌شود در این بین به والدین آموزش داده شده است که در ارائه راه‌حل شتاب‌زده عمل نکنند با توجه به ظرفیت شناختی کودکان و پیشگیری از استرس و اضطراب کودک با او همدلی می‌شود حتی راه‌حل غلط کودک توسط والدین پذیرش می‌شود؛ ولی در ادامه با ارائه راه‌حل‌های سایر اعضای خانواده با همکاری کودک بهترین پاسخ انتخاب می‌شود؛ بنابراین این برنامه آموزشی یک جعبه‌ابزار کافی برای پرورش و رشد خلاقیت در اختیار والدین قرار می‌دهد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، در نگاه اول انتظار می‌رود با افزایش توان تعقل و آموزش مهارت‌های حل مسئله و تفکر واگرا والدین همه مؤلفه‌های خلاقیت کودکان افزایش یابد؛ زیرا والدین نقش بسزایی در آموزش خلاقیت کودکان دارند، در واقع می‌توان چنین استدلال کرد که با توجه به اینکه خلاقیت بیشتر با داده‌های بصری هوش سیال در ارتباط است و با در نظر گرفتن اینکه کارکرد این بسته اصلاح باورها و جهان‌بینی والدین است و از طریق اصلاح آن‌ها سعی در بهبود و رشد زندگی فرد دارد، به نظر می‌رسد تأثیرگذاری این گونه بسته‌ها بیشتر در درازمدت باشد و انتظار نتیجه‌ای سریع آن هم در این مدت کم (دو ماه آموزش) و آن هم نه بر خلاقیت والدین بلکه بر خلاقیت کودکان (آموزش به صورت غیرمستقیم) شاید نتیجه‌ای دور از انتظاری هم نباشد. از سوی دیگر وقتی والدین با فعالیت‌های مختلف تلاش می‌کنند که هر نکته‌ای را با طرق مختلف برای کودک توضیح دهند در حال افزایش اطلاعات عمومی، تقویت خوب صحبت کردن در کودک و در نتیجه افزایش هوش کلامی وی هستند (مقدم و قمرانی، ۱۴۰۱). یا وقتی در فعالیت‌های مختلف منزل از او کمک می‌گیرند، مثلاً پیچاندن لقمه، باعث افزایش مهارت‌های دست‌ورزی در کودک می‌شوند و در



نتیجه کودک در خرده آزمون‌های که مستلزم استفاده از دست است، مهار و سرعت عمل بیشتری دارد. وقتی با هم شعر تمرین می‌کنند، در واقع در حال تقویت حافظه شنیداری هستند؛ بنابراین با توجه به اینکه در این آموزش به والدین تأکید شده است در حین انجام تکالیف با فرزندان به دنبال پاسخ‌های متعدد از فرزندان برای یک مسئله باشند تا توان تولید ایده‌های نو را داشته باشند و هم‌زمان توان توجه به جزئیات یک رویداد یا مسئله را داشته باشند و در کنار این دو مهارت قابلیت انطباق و سازگاری خود را افزایش دهند دور از انتظار نیست که با استفاده از یک رویکرد عقلانی - خردمندانه سطح خلاقیت خودشان و متعاقب آن فرزندان افزایش یابد؛ لذا استفاده از اصول فرزندپروری مورد توجه این رویکرد مانند ایجاد فضای خانواده شاد و با آرامش توسط والدین، روابط عاشقانه والدین، احترام به یکدیگر در حضور کودک، انجام دادن کارهای مشارکتی، اختصاص دادن وقت همه‌جانبه به فرزندان، قاطعیت در رفتار، خوب گوش کردن به حرف‌های فرزند، استفاده از نظرات فرزندان برای وقایع و رویدادهای مختلف، دادن مسئولیت‌های متعدد به فرزندان، تشویق و ترغیب کلامی، همدلی و افزایش شایستگی و عزت‌نفس کودک، توجه به خودمراقبتی، تغذیه سالم، خواب کافی و استراحت به موقع در کنار توجه به رشد اخلاقی، اجتماعی، هیجانی، معنوی و آموزشی فرزندان و اجتناب از هر گونه نتیجه‌گرایی با تأکید بر داشتن فرزند سالم می‌تواند باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد والدین را کاهش دهد و زمینه را برای رشد همه‌جانبه و متعادل فرزندان با توجه به استعداد، توانایی و رغبت فرزندان افزایش دهد.

بنابراین، با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که؛ محتوای جلسات فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر به فعالیت‌هایی از قبیل بررسی شادمانی اصیل و شادکامی در زندگی، بیان و بررسی احساسات والدین، بیان و توضیح معنا و هدف زندگی و توجه به احساس مثبت به خود، ارائه توضیحاتی در مورد اصول فرزندپروری و بحث خودکنترلی، خودمدیریتی و خودنظارتی به والدین و کودکان به طور کامل و ارائه این سه بعد در کودکان، ارائه راهکارها و مراحل هر گام به صورت کامل به والدین، ارائه گام‌های مهارت ترغیب، کمک به مادر در جهت شناسایی نقاط قوت فرزند خود، پیدایش احساس مطلوب در مادران، تحکیم رابطه والد - فرزند، قدردانی از خود و پذیرش توانمندی‌های خود و موهبت بخشیدن خود، کمک به والدین در چگونگی عمل کردن در مورد روش‌های جایگزینی رفتار فرزند، بیان و توضیح غنای درونی زندگی، لزوم دانستن فواید تفریح و سرگرمی در زندگی، آموزش به والدین در جهت کمک به تصمیم‌گیری مسئله‌ای فرزند، فن بارش مغزی و حل مسئله می‌تواند زمینه را برای افزایش خلاقیت با ایجاد جو روانی مثبت، بهبود روابط والد و فرزند توجه به چهار C انتخاب، پیامد، همسانی و شفقت<sup>۱</sup> زمینه‌ساز خلاقیت در فرزندان شود.

این پژوهش با محدودیت‌های مواجه بود که از جمله آن‌ها می‌توان از به نبود امکان افزایش تعداد جلسات برای دستیابی به نتایج مطلوب با حداقل ثبات خط پایه و ثبات خط درمان اشاره داشت. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش یکسان بودن پژوهشگر و آموزشگر بود. از طرفی این پژوهش فاقد مطالعه اثر زمان و پیگیری بود. همچنین مداخله

به کاررفته در این پژوهش در برگیرنده آموزش والدین بود؛ مداخلاتی که بتواند زوج والد و فرزند را همراه با هم هدف قرار دهد احتمالاً می‌تواند به اثربخشی بهتری دست یابد. پیشنهاد می‌شود برای بهبود یافتن پژوهش‌های آینده و از میان برداشتن محدودیت‌ها، برنامه آموزش فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر برای والدین که کودکان زیر هفت سال دارند نیز اجرا شود و دستورالعمل‌های مبتنی بر این آموزش برای تربیت و رشد فرزندان از بدو تولد و قبل از اقدام به بارداری به کار گرفته و به آن توجه شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود این دوره تربیتی به صورت حضوری، با مدت زمان بیشتر برای هر جلسه (بیش از ۱۲۰ دقیقه) و برای سنجش اثربخشی در مشکلات بالینی والد - کودک آزمایش شود. یکی از عوامل مؤثر در اثربخشی تمام برنامه‌های فرزندپروری، همکاری و هماهنگی پدر و مادر در تربیت صحیح فرزندان است و از این روی پیشنهاد می‌شود در دوره‌های آتی، از حضور هر دو والد برای موفقیت بیشتر برنامه‌های فرزندپروری عقلانی آینده‌نگر استفاده شود. امیدواریم با افزودن این مبانی به بسته فرزندپروری بتوان به تقویت ارتباط نزدیک والد و کودک کمک بسیاری کرد و در نهایت، یک بسته جامع فرزندپروری با در نظر گرفتن تمام ابعاد وجود انسان تهیه و آموزش داده شود.

#### منابع

- افروز، غلامعلی (۱۴۰۰). مبانی روان‌شناختی اندیشه فرزندآوری و مطلوب‌ترین رویکرد فرزندپروری، انتشارات دانشگاه تهران. ساعتچی. محمود، کامکاری. کامبیز، عسگریان، مهناز (۱۳۸۹). آزمون‌های روان‌شناختی نشر ویرایش.
- قاسمی، هاجرالسادات؛ ابراهیمی قوام، صغری؛ درتاج، فریبرز و فرخی، نورعلی (۱۴۰۱). تأثیر آموزش فرزندپروری مبتنی بر کارکردهای اجرایی بر انعطاف‌پذیری شناختی و کنترل بازداری کودکان. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۶(۵۸)، ۵-۱۹.
- کفایت، محمد (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزندپروری با خلاقیت دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های اهواز. خوزستان اداره کل آموزش و پرورش خوزستان، شورای تحقیقات.
- مقدم، منصور و قمرانی، امیر (۱۴۰۱). ارزیابی اثربخشی والدگری خردمندانه براساس آموزه‌های امام علی (ع) بر خردمندی والدین و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی. پژوهش در دین و سلامت، ۸(۱)، ۹۸-۱۱۰.
- Amato, P. R., & Fowler, F. (2002). Parenting practices, child adjustment, and family diversity. *Journal of Marriage and Family*, 64(3), 703-716.
- Amaaaaaaaa Kweii A. K & eeeest A (9999). '''' craativ aaaaggy frmnnkkkkkkks strategy for fostering creative learning in Ghanaian schools. *Thinking Skills and Creativity*, 31, 11-18.
- Auzmendi, E., Villa, A., Abedi, J. (1996). Reliability and validity of a newly constructed multiple-choice creativity instrument. *Creativity Research Journal*, 9 (1), 89-95.
- Beaty, R. E., & Kenett, Y. N. (2023). Associative thinking at the core of creativity. *Trends in cognitive sciences*, 27(7), 671-683.
- Bögels, S., & Restifo, K. (2014). *Mindful parenting: A guide for mental health practitioners*. W. W. Norton & Company.
- Chen, Y., Kubzansky, L. D., & VanderWeele, T. J. (2019). Parental warmth and flourishing in mid-life. *Social Science & Medicine*, 220, 65-72

- Chen, P., Zhang, J., Li, H., Fu, M. (2021) Relationships between Parenting Behaviors and Alls eent'' Craativity in Cii aa: T ee diatigg Rll of Att ommm ttt ivtt i... *The Journal of Psychology* 155 (5), 457-472.
- Cooper, A., and Sheila, R. (2016). *Reflective Parenting: A Guide to Understanding What's Going on in Your Child's Mind*. Routledge 711 Third Avenue. New York, NY 10017.
- David, O. A. (2019). The Rational Parenting Coach app: RETHink parenting! A mobile parenting program for offering evidence-based personalized support in the prevention of child externalizing and internalizing disorders. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, 19(2), 97–108.
- David, O. A., & DiGiuseppe, R. (2016). *The Rational Positive Parenting Program*. Springer Science + Business Media.
- David, O. A., Capris, D. and Jarda, A. (2017) Online Coaching of Emotion-Regulation Strategies for Parents: Efficacy of the Online Rational Positive Parenting Program and Attention Bias Modification Procedures. *Front. Psychol.* 8:500. doi: 10.3389/fpsyg.2017.00500.
- David, O.A. (2014). The Rational Positive Parenting Program for Child Externalizing Behavior: Mechanisms of Change Analysis. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, 14(1), 21-38.
- De Lorenzo, A., Lattke, L. S., & Rabaglietti, E. (2023). Creativity and resilience: a mini-review on post-pandemic resources for adolescents and young adults. *Frontiers in public health*, 11, 1117539..
- Ershadi, M., & Winner, E. (2020). *Children's creativity*. In M. A. Runco & S. R. Pritzker (Eds), *Encyclopedia of creativity*, 1, 144–147. London: Academic Press.
- Gavia, O. A., & Clin, A. (2013). Retman rational stories versus Rational Parenting Program for the treatment of child psychopathology: Efficacy of two formats of Rational-Emotive Behavior Therapy. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 13(1), 33-52.
- Gavita, O. A. (2011). *Evidence-based parent programs for reducing child disruptive behavior*. Unpublished doctoral dissertation, Babes-Bolyai University.
- Gavita, O. A., DiGiuseppe, R., & David, D. (2013). *Self-acceptance and the parenting of children*. In M. Bernard (Ed). *The strength of self-acceptance. Theory, practice and research* (pp. 193-214). New York: Springer
- Glasser, W. (2010). *Reality Therapy: A New Approach to Psychiatry*. New York: HarperCollins Publication.
- Kabat-Zinn, J. (2009). *Wherever you go, there you are: Mindfulness meditation in everyday life*. Hachette UK.
- Kazdin, A., & De Los Reyes, A. (2001). *Conduct disorder*. In R. Morris & T. Kratochwill (Eds.), *the practice of child therapy* (pp. 207–247). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.

- Leggett, N. (2017). Early childhood creativity: Challenging educators in their role to intentionally develop creative thinking in children. *Early Childhood Education Journal*, 45 (6), 845–853.
- Maccoby, E., and Martin, J. (1983). *Socialization in the context of the family: parent-child interaction*”, in *Handbook of Child Psychology Socialization, Personality, and Social Development*, Vol. 4, eds. E. M. Hetherington and P. H. Mussen (New York, NY: Wiley), 1–101.
- Markham, L. (2018). *Peaceful Parent, Happy Siblings: How to Stop the Fighting and Raise Friends for Life*. Penguin
- Moltafet, G., Somayeh Sadat Sadati Firoozabadi & Asieh Pour-Raisi (2018) Parenting Style, Basic Psychological Needs, and Emotional Creativity: A Path Analysis, *Creativity Research Journal*, 30, 2, 187-194, DOI:
- Murphy, D., Heary, C., Hennessy, M., O'Reilly, M. D., & Hennessy, E. (2022). A systematic review of help-seeking interventions for parents of adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 70(1), 16-27.
- Opoku, M., William, N., Esther, B. B., & Wisdom, K., Mprah. (2020): Understanding the parental experiences of raising deaf children in Ghana. *Journal of Family Studies*, 8(1), 1-20.
- Pullen, D., Swabey, K., Carroll, A., Heath, A., Lombard, S., & Garate, M. P. (2017). *Lifespan development in an educational context: A Topical approach*. John Wiley.
- Rha, J., Son, S.Y., & Kim, S. (2021). Structural relationships among positive parenting, iii lrr e” spppppessaæccraativity. *Korean Journal of Human Ecology*, 30, 227-239.
- Riany, Y.E., Haslam, D.M. & Sanders, M. (2022). Parental Mood, Parenting Style and Child Emotional and Behavioural Adjustment: Australia-Indonesia Cross-Cultural Study. *Journal of Child and Family Studies*, 31, 2331–2343 .
- Rosli, N. A. (2014). *Effect of Parenting Styles on Children's Emotional and Behavioral Problems among Different Ethnicities of Muslim Children in the US*. Marquette University.
- Ross, S. D., Lachmann, T., Jaarsveld, S., Riedel-Heller, S. G., & Rodriguez, F. S. (2023). Creativity across the lifespan: changes with age and with dementia. *BMC geriatrics*, 23(1), 160. <https://doi.org/10.1186/s12877-023-03825-1>
- Sanders, M. R., and Prinze, R. J. (2005). The Triple P System: A Multi-Level Evidence-Based, Population Approach to the Prevention and Treatment of Behavioral and Emotional Problems in Children. *Journal the Register Report*, 31, 42-46.
- Shauffer, C. (2004). *The quality parenting initiative: Supporting excellent parenting in the United States*.
- Sica, L. S., Kapoor, H., & Ragozini, G. (2023). Grasping Creative Valences: A Person-Centered yyyyyy Craativity ss A Rssrrr c for Ygggg lllll ll Ott imll Itttt ity Formation. *Identity*, 23(2), 155-169.
- Sternberg, R. J. (2018). *21 Ideas: A 42-Year Search to Understand the Nature of Giftedness*. Roper Review, 40, 7–20.

- Sternberg, R.J. (2019). *Why people often prefer wise guys to guys who are wise: An augmented balance theory of the production and reception of wisdom*. In *Cambridge Handbook of Wisdom*. Edited by Robert J. Sternberg and Judith Glueck. New York: Cambridge University Press, 162–181.
- Sternberg, R.J. (2020). *The augmented theory of successful intelligence*. In *Cambridge handbook of intelligence, 2nd ed.* Edited by Robert J. Sternberg. Cambridge: Cambridge University Press, 2, 679–708.
- Tuntipuchitanon, S., Kangwanthiti, I. O., Jirakran, K., Trairatvorakul, P., & Chonchaiya, W. (2022). Online positive parenting programme for promoting parenting competencies and skills: randomised controlled trial. *Scientific reports*, 12(1), 6420.
- Vincent, A. H., Decker, B. P., & Mumford, M. D. (2002). Divergent thinking intelligence and expertise. A test of alternative models. *Creativity Research Journal*, 14, 163-178.
- Waltz, C. F., & Bausell, R. B. (1981). *Nursing research: Design, statistics, and computer analysis*. Philadelphia, PA: F. A. Davis Company.
- Warren, J. M., Halpin, S. A., Hanstock, T. L., Hood, C., & Hunt, S. A. (2022). Outcomes of Parent-Child Interaction Therapy (PCIT) for families presenting with child maltreatment: A systematic review. *Child Abuse & Neglect*, 134, 105942.
- Woerkum, van C. M. J., Aarts, M. N. C., & Grip, de K. (2007). Creativity, planning and organizational change. *Journal of Organizational Change Management*, 20 (6), 847-865.
- Wojtczuk-Turek, A., & Turek, D. (2015). Innovative behaviour in the workplace: The role of HR flexibility, individual flexibility and psychological capital: the case of Poland. *European Journal of Innovation Management*, 18(3), 397-419.